

(مسجد جامع تبریز و شرح گنیه‌های آن)

مسجد جامع تبریز از آثار بسیار قدیم و ظاهرا از بنای‌های قرون اولیه اسلامی است. ساختمان بنا و طرز معماری آن حاکی از قدمت آن می‌باشد. تاریخ بنا و اسم بانی این مسجد صحیح‌آ معلوم نیست. سید محمد رضا طباطبائی تبریزی در تاریخ خود موسوم به تاریخ اولاد اطهار که تاریخ بعضی از مساجد تبریز را نیز مختصراً شرح داده تاریخ بنای مسجد جامع را چنین نگاشته «مسجدی که در اول اسلام ساخته‌اند و حالا به مسجد جامع مشهور است آنرا (عبدالله بن عامر) ساخته است» مؤلف محترم این روایت را از کجا نقل کرده واستناد وی به کدام تاریخ است تصریح نکرده است ولی در قدمت این مسجد شبیه و تردیدی نیست زیرا که طرز بنا و بلندی طاقها و کلفتی دیوارها و پایه‌های آن قدمت بنا را حکایت می‌کند. هر حوم نادر میرزا مؤلف تاریخ تبریز نیز در حق این مسجد واستحکام بنا و شکل ساختمان آن چنین مینویسد: «مسجد جامع تبریز که اکنون در آن نماز خوانند در پشت بازار به میان مدرسه طالبیه است و این مسجد را بانی نخست هجھول است پس از آنکه از زلزله ویران شداین نامدار حسین قلیخان دنبی عمارت کرد بر همان بنیان قدیم. و آن مسجدی است هر تفعو و طولانی و عریض با گچ و آجر بنانده طاقها و سقوف آنرا هیچ قرینه نباشد از دو سوی غرفه‌ها بدین تزدیکی عمارت شده که پوشیده رویان نشینند و بدین جامع از رخام و کاشی هیچ نباشد گویند بنای این معبد را عثمانیان نهاده‌اند اتفهی.

در کتاب مرزبان نامه نیز راجع به جامع تبریز اشارتی هست که ذکر آن در این مقاله خالی از فایده نیست علامه قمی میرزا محمدخان قزوینی در مقدمه کتاب هرزبان نامه چاپ لیدن مینویسد سعد الدین الوراونی کتاب مرزبان نامه را که از اصل زبان طبری بزبان فارسی هتعارف در آورد آن را بنام خواجه ابو القاسم ریب الدین هرون بن علی وزیر اتابک از بک بن محمد بن ایاد گذاشتابکان آذربایجان که از سنّه ۶۰۷ الی ۶۲۲ در آذربایجان واران سلطنت کرده است مشهود ریب الدین وزیری بود فاضل و

هنرپرور و علم دوست در تبریز کتابخانه باشکوه مهمی برای جامع تبریز تاسیس کرده بود و در آن کتابخانه از اصناف علوم و فنون در طب و تفسیر و احادیث و کلام و تاریخ و ادبیات و اسلام و حکایات وغیره جمع کرده بود و همین کتاب هرزبان نامه را نیز بر آن کتابخانه بیفزود همچنین در آخر کتاب صفحه ۲۹۷ سعد الدین در تجلیل مقام و تعریف احوال ریب الدین وزیر و تاسیس کتابخانه تبریز چنین نوشته است

(جامع اندیشه هبارکش بر جامع تبریز مقصود آمد تادار الکتبی در وضع فرمود) (کوعاء ملئی لطفاً و ظرف حشی ظرفاً) بنابر وایت فوق بطن قریب به یقین میشود کفت که مقصود مؤلف از جامع تبریز همین مسجد جامع است که در آن اوان یعنی در سنوات ۶۰۷ الی ۶۲۲ در عهد وزمان اتابک ازبک بن محمد بن ایلدگز مسجدی بسیار معمور و باشکوهی بوده و کتابخانه عالی نیز داشته است همچنین این قول ضعیف که میگویند مسجد جامع را عثمانیها ساخته‌اند لزین میروند زیرا که در این صورت قریب صد سال قبل از تاسیس و تشکیل دولت عثمانی این مسجد بسیار معمور و دایر بوده است طول این مسجد از دم پنجه‌ره تا دم هیراب ۶۲ متر است و عرض قسمت وسطی که بالای آن طاق بسیار بلند و بزرگی ساخته شده ۱۵ متر است پایه‌های این طاق بسیار قوی و قطور است آجرهای آن فوق العاده بزرگ و کلفت است و پنج و شش برابر آجرهای کنونی است این مسجد توی مدرسه طالبیه واقع شده و از قراری که مورخین نوشته‌اند چندین دفعه از زلزله خراب و مجدداً تعمیر شده است و در نزدیکی و اتصال این مسجد یک مسجد شبستانی نیز هست که پنجه‌ره‌های آن مشرف بهمین مسجد جامع است و آنرا (آلچاق مسجد) میگویند یعنی مسجد پست ولی بسیار مخروبه است احتیاج به تعمیر زیادی دارد. در این مسجد و مدرسه طالبیه سه قطعه کتیبه بزرگ از سنگ هرهر موجود است که هر سه کتیبه صورت فرمانی است از طرف پادشاه عصر و زمامدار مملکت که در سنگ هرهر مخصوصی حکاکی و ثبت شده و در قسمت‌های مختلف بدیوار نصب شده است. سنگ اولی که قدیمترین آن کتیبه‌ها است در زمان شاه طهماسب اول صفوی حکاکی شده و مشتمل است برؤیای

شاه طهماسب اول و الغای رسومات تمغا. این سنک که طول آن یک متر و هفتاد و سانتیم و عرض آن یک متر و دوازده سانتیم هیباشد از سنک رخام بسیار صاف وزیبا کنده کاری شده و در درون مسجد جامع در قسمت شاه نشین رو بشمال بدیوار نصب گردیده است و کاتب آن علاء الدین محمد تبریزی است^(۱) در دوازده سطر در شوال سال نهصد و هفتاد و هجری قمری بخط ثلث بسیار عالی نگاشته شده است : نادر میرزا این کتیبه را خوانده و در تاریخ خود نگاشته است ؛ لیکن متاسفانه آنچه در تاریخ تبریز ثبت شده ناقص و سطوری چند از آخر کتیبه را نتوشته و از سقط و غلط نیز خالی نیست و مضمون این کتیبه چنانچه در بالادکر شد رؤیای شاه طهماسب اول صفوی است که تمغای رسومات دیوانی را لغو کرده است .

مضمون کتیبه اول مسجد جامع

فرمان قضا جریان شاه ستاره سپاه خاک آستانه خیر البشر هر روح مذهب ائمه
اثنی عشر غلام امیر المؤمنین حیدر علی بن ایطالب السلطان بن السلطان ابوالمظفر شاه
طهماسب بهادرخان خلد الله ملکه و سلطانه شرف نفاد یافت آنکه بنا بر رؤیای صالحه
که در شب پنجشنبه دوازدهم شهر شعبان او دیل اثنی و سبعین و سبععماه حضرت حجۃ
قائم صاحب الامر والزمان صلوات الرحمن علیه را در واقعه دیدم قامت اشرف آن
حضرت بلند و روی کشیده و محسن شریف یک قبضه و موی محسن و شارب خرمائی
و چشم و ابروی آنحضرت سیاه وضعی در بشره مقدس آنحضرت ظاهر بود چنانچه
رباصلت کشیده و تاج سقر لاط قرمزی بی دستار بر سر اشرف داشتند و جامه قلمی
آجیده که ظاهر آرنگ آن نخودی بود و بالا پوش قلمی آجیده که غالباً سفید بود
و چاقشور تیماج زرد در پای همارک داشتند و هیچ کس آنحضرت رانمی دید و آواز
همارک آنحضرت با اینکه بلند سخن میفرمودند غیرهن کسی نمی شنید و بعداز ظهر و ر
آنحضرت فی الحال من فریاد کردم و کسی نشنید و آنحضرت بعداز بیرون آمدن در
ایوان طاق هندی که تخمیناً طول آن ده زرع بوده باشد و روی آن ایوان قبله

(۱) علاء الدین محمد تبریزی از استادان بزرگ خط ثلث و تلمیذ ملا شمس الدین محمد تبریزی است .

بود بوجهی که پشت مبارک آنحضرت بجانب میان مغرب و قبله بود هنجرف نشستند و کف پایها را نزدیک یکدیگر رو برو برو بوجهی که کف بکف نرسیده بودند پس رفتم و پای راست آنحضرت را میان بند پای مبارک وی و بند چاقشور بوسیله دم بعداز آن آنحضرت برخواستند و فرمودند که این تمغاها را که بخشیده ای بسیار خوب کردی و اظهار خوشنودی فرمودند و فرمودند که تتمه را هم ببخش و فرمودند که ها از تو راضی ایم یا از تو راضی هیشویم و بیاد نماند که از این دو عبارت کدام فرمودند بعداز آن فرمودند که روز بروز عمرت زیاد هیشود و دولتت زیاده هیگردد من عرض کردم که چون این امر مقبول شما است تتمه تمغاها را هم بخشیدم بعداز آن آنحضرت غائب شدند بروجهی که من ندانستم که چون غائب شدند لاجرم در روز پنجشنبه مذکور حسب الامر آنحضرت صلوات الله علیه تتمه تمغا و آت جمیع ممالک محروسه را در آذربایجان و عراق و فارس و خراسان و شیروان و گیلان خصوصاً تمغای دارالضرب طلا و نقره که غایت بخشیده نشده بود مؤکد بلعنت نامه بخشیدم و نواب آنرا بحضرات چهارده معصوم صلوات الله وسلامه علیهم اجمعین هدیه کردم و نواب این اهداء را بحضرت صاحب الامر صلوات الله علیه هدیه کردم بنابراین باید که ابواب جمع دارالسلطنه تبریز و شوارع ارضروم و عراق را که بمبلغ سه هزار و هشتصد و هفتاد پنج تومان هشت صدینار در آن ملک جمع است از تاریخ واقعه مذکوره مسدود دانسته اصلاً طلبی از هیچ آفریده ننمایند و این بدعت سیئه را در آن ملک بدستور کل همالک بر طرف دانند مستوفیان عظام دیوان اعلیٰ من بعد از دفاتر سالهای جمع آنرا ننویسند و اسم و رسم آنرا از صحایف دفاتر محوگردانند حاکم و اکابر دارالسلطنه تبریز مضمون حکم اشرف و اعلیٰ را مؤکد بلعنت نامه دانسته یقین دانند که هر کس از هضمون آن تجاوز نموده من بعد بهر صیغه و عنوانی که باشد از آن ابواب چیزی گیرد و هر کس بدان رضاده و کسی که برحقیقت آن مطلع شود معرض ندارد (اینجا کلماتی چندم حکوک ولا یقرء است) و آن جماعت را بر وجهی سیاست خواهم فرمود که باعث عبرت گیران گردد (فمن بدله بعد ما سمعه فانما ائمه علی الذین یبداؤنہ ان الله سمیع علیم) از جوانب بر این جمله رونداز فرموده

عدول نور زند فی عشر ثالث شهر شوال او دیل اثنی و سیعین و تسع مائے کتبہ علاء الدین کتبیہ دوم از سنک هر مرکه بزرگترین آنسہ کتبیہ است در بالای در شمالی مسجد جامع رو بطرف شمال بدیوار نصب شده است مشتمل بر فرمانی است از شاه سلطان حسین صفوی و کاتب آن محمد مومن تبریزی است در پانزده سطر بخط ثلث بسیار عالی و زیبا در شوال سال هزار ویکصد و شش هجری قمری حکاکی شده طول این سنک در حدودیک متر نیم و عرض آن یک هزار و چهل سانتیم است در این فرمان از طرف شاه سلطان حسین صفوی به رستم خان سالار سپه ویکلریکی آذربایجان امر اکید صادر شده که قمار خانه ها و فاحشه خانه ها و چرس فروشی هارا به بندند و عایداتی که از این همراه بدولت میشد لغو و هوقوف دارند و هر کس هر تک این اعمال بشود حد شرعی در حق آنان جاری گردد و اهالی و او باش را از کبوتر پرانی و گرک دوانی و قوچ بازی و گاو بازی که باعث خصوصیت و فساد است منع کرده و هر تک را هجازات نمایند هضمون این کتبیه در موقع تعمیر کاری مدرسه طالیه و مسجد جامع توسط آقای میرزا محسن ولده محمدعلی ادیب العلماء که سنک را از محل اصلی برداشته و پائین آورده بودند خوانده شده و بدست نگارنده رسید که در اینجا نقل میشود .

هضمون کتبیه دوم مسجد جامع

بسم الله الرحمن الرحيم حکم جهان مطاع شاه ملایک سپاه السلطان بن السلطان ابوالمظفر شاه سلطان حسین الحسینی الموسوی الصفوی بهادرخان خلد الله ملکه و سلطانه شرف نقاد یافت آنکه عالیجاه سالار سپه تفنگچی آفاسی و توپچی باشی ویکلریکی آذربایجان به شفقات بلا نهایات شاهانه مفتخر و مباھی بوده اند که چون از هنگامی که همه انجام بر تخته زرنگار فلک آبگون سیما ب نمون بدست قضا چیده و کعبتین عاج مزین جهته تحصیل نقد سیادت کوئین بن نقش شش جهته گردیده و گنجور گنجینه وجود بمؤ dai حقانیت اقتضای (قل اللهم مالك الملك تؤتی الملك من تشاء و تنزع الملك من تشاء و تعز من تشاء و تذل من تشاء بيدك الخير انك على كل شئ قادر) درهم و دینار تمام عیار دولت اعتبار وزرده دهی کذا پادشاهی و فرماندهی عرصه روزگار جهته

این دو دمان خلافت و امانت و خاندان نبوت و ولایت در مخزن درستی با کمال تردستی محفوظ و هضبوط داشته جهت سنتایش این نعمت بیقياس و ادای شکر این عارفه محکم اساس در این عهد سعادت مهد که عذرای دولت روز افزون در آغوش و لیلای سلطنت ابد مقرون دوش بدش و اولین سال میمذت مانوس و او ان شکفتگی گلشن آمال عامه نفوس است همت صافی طویت معدات گستر و ضمیر هنر هراصابت شریعت پرور بحکم آیه وافی هدایه (الذین ان مکنناهم فی الارض و اقاموا الصلوة و آتوالزکوة و امروا بالمعروف و نهوا عن المنکر) باجرای اوامر و نواهی خالق کل و خاتمانیها و رسول بفحاوی صدق اتماء (اطیعو اللہ واطیعو الرسول لعلکم تفلحون) معطوف و مصروف داشته امر عالم مطاع شرف نفاد یافت که بمضمون بلاغت مشحون (قل انما حرم ربی الفواحش ما ظهر منها و ما بطن) پرده گیان ستر گشا پرده نشین و شاهدان چهره نما خلوت گزین بوده با ناعمل عصیان نقاب بی شرمی از رخسار عفت باز ننموده دامن زن آتش غضب دادار بی نیاز نگردند و ساکنان خطه ایمان و دقیمان دار السعادة ایقان بمضمون حقیقت نمون (یا ایها الذین آمنوا النما الخمر والمیسر والانصاب والا زلام رحبیس من عمل الشیطان فاجتنبوا لعلکم تفلحون) بالتقمار دست دراز نکرده قبل از آنکه شترنجی زور آور روزگار ایشان را مات همات و فیل بند حیرت هیجان و هنگامه عرصات ساخته معلوم شود که آنچه برده اند باخته اند سالک طریق اجتناب بوده بهیچوجه پیرامون آن عمل شنیع نگردند و کل وجهه بیت اللطف و قمار و چرس فروشی و بوزه فروشی ممالک محروم را که هر سال مبلغهای خطیری هی شد بتخفیف تصدق فرق فرق دسای اشرف مقرر فرمودیم و در این ابواب صدور عظام و علماء اعلام و فقهاء اسلام و نیقه اینیقه علیحده موکده بلعن ابدی و طعن سرمدی که آن هزین و هوشیج بخط گوهر نشار همایون است بسلک تحریر کشیده اند میباید که عالیجاه بعد از شرف اطلاع بر مضمون امر مطاع لازال نافذان فی الاقطاع والاربع مقرر دارد که در کل مجال تیول همه ساله آن عالیجاه و امراء و حکام تابعین و ساکنین و متواترین بقانون از هر شریعت غرّا و طریق اظهرا ملت بیضاء هنرج صلاح و سداد بوده مرتكب امور مذکوره نگردند و بد کاران در حضور امناء شرع شریف و کلانتران و

ریش سفیدان محلات بمحض آیه و افسی هدایه (والَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَاحْشَةً أَوْ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ فَاسْتَغْفِرُوا لِذَنْبِهِمْ) توبه کنند و مرتكبین محروم از بور را تنیه و تادیب نمایند و التزام باز یافته هرگاه اشتغال با آن افعال ذمیمه نمایند بر نهنج شرع مطاع حدّجاری و هورده مؤاخذه و باز خواست سازند و چنانچه احدهی باعمال شنیعه دیگری مطلع گشته اعلام ننمایند آن شخص را بنوعی تنیه نمایند که هوجب عبرت دیگران گردد و آن عالیجاه و امراء تایین بعلت وجوهات مزبوره چیزی باز یافت ننموده نگذارند که آفریده بدان جهته دیناری طمع و توقع نماید و خلاف کنه از مردودان در گاه الهی و محروم از شفاعت رسالت پناهی و مستحقان لعنت و نفرین ائمه طیبه صلوات اللہ علیہم اجمعین و ملائکه آسمان و زمین باشد اهالی و او باش را نیز از کبوتر پرانی و گرک دوانی و نگاهداشتن گاو و قوچ و سایر حیوانات جهته جنک و پرخاش که باعث خصومت و عناد و هوجب انواع شورش و فساد است ممنوع ساخته سد آن ابواب از لوازم شمرند دقیقه در استحکام احکام مطاعه و اشاعت اجرای اوامر شریفه فروگذشتند امر اوحکام تایین انعالیجاه حسب المسطور مشارالیه هریک در الکاء متعلق خود بمحضی که مقرر فرمودیم بعمل آورده و از هرجوانب براین جمله روند و رقم قضاییم معدالت مضمون را بر عموم خلائق خوانده بر سنگی نقش و بر در مساجد جامعه نصب نمایند و دراین ابواب قدغن دانسته هرساله رقم مجدد طلب بدارند و در عهد شناسند تحریراً شهرشوال سنه ۱۱۰۶ است و مائده والف من الہجرہ النبویه مضمون رقم معدالت شیم فوق که زلال مایعیست از چشمہ سارساله خاندان صفوی و کرامت بواسطت عالیجاه رستم خان سالار سپه بمزارع امید کافه عباد اللہ فائض وبسی عالیقدر رفیع الشان و هنیع المکان محمد نیکا برادر و نایب عالیجاه معظم الیه بر صخره صماتریم گردید قد تشرف بكتابتها محمد هومن التبریزی

کتبیه سوم از مرهر بالای در ورودی مدرسه طالبیه که از بازار وارد میشود در زیر طاق نصب شده نقش این سنگ غیر از جمله (بسم اللہ الرحمن الرحیم) که در صدر لوح باخط ثلت است هابقی تمامبا باخط زیبای نستعلیق حکشده و آن فرهانی است از احکام اوایل سلطنت فتحعلی شاه قاجار که در سال ۱۳۱۶ هجری قمری در دوازده

سطر در آن سنگ نسبت شده است در این فرمان از طرف دولت بعضی عوارض و مالیات تجار و اصناف را که از سنگینی آن به سایر بلاد متفرق شده‌اند لغو و باطل شده و رفاه حال تجار و اصناف منظور نظر گردیده است تا آنهایی که بسایر بلاد متفرق شده‌اند بوطن خود مراجعت نمایند مضمون این کتبیه توسط دانشمند محترم آقای میرزا جعفر سلطان القرائی بدست نگارنده رسید واز یاد داشت‌های ذی‌قیمت ایشان زیاد استفاده کردم بسیار سپاسگزارم.

(مضمون کتبیه سوم بالای مدرسه طالبیه)

فمن بدلہ بعدما سمعه فعلیه لعنة الله وملائکته وانبياءه ورسله والاعمه صلوات الله عليهم اجمعین بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام على محمد وآلہ الذین اسسوا اساس الحق والایمان وخربوا بنیان البدع والطغيان اما بعد غرض از تحریر این کلمات آنست که چون در عهد سلطنت بندگان اعلیحضرت جمشیدشوکت اسکندر مکانت دارا رتبت خاقان اعظم سلطان مکرم السلطان بن السلطان والخاقان بن الخاقان السلطان فتحعلی شاه لازال ظله ظلیلا نوبت حکومت وریاست دارالسلطنه تبریز بعده عالیجاه رفیع جایگاه جلالت وشوکت دستگاه امیر الامراء العظام عمدة الخوانین الكرام مقرب الحضرة الخاقانیه خان جلیل الشان ییگلر بیگی کل ممالک آذربایجان (احمد خانا) (۱) لازال مؤیداً بتوفیقات الدارین رسیده و چون طبع شریف معظم له طالب تحصیل دعای خیر بجهة ذات مقدس اعلیحضرت ظل الله فی الأرضین و آبادی بلاد و رفاه عباد بوده و راضی بشیوع واستمرار بدع نمیباشد و چون در ایام سلاطین و حکام سابق بجهت آنکه در عوارض و صادریات (۲) مملکتی بسکان محلات و کوچه و باغات دارالسلطنه تبریز بنچه مشخص نموده وداد و ستدی نموده‌اند بتتجار تبریز که آبادی بلاد و نظام امور معاش عباد و وفور امتعه واقمه و سایر ادویه که در بلاد بعیده بهم هیسد و در سایر بلاد نیست و سکان این بلاد میحتاج بآنها هی باشند

(۱) احمد خان مقدم از طائفه خوانین ترک و رئیس ایل مقدم و بیگلر بیگی مراغه بود در ایام حکومت زنده یکی از امراء بزرگ آذربایجان شمرده میشد پس از تسلط قاجاریه باز آذربایجان او نیز مانند سایر خوانین مطیع و فرمانبردار شد و در سال ۱۲۳۹ هجری قمری در مراغه دار فانی را وداع گفت

(۲) کلمه صادرات در همه‌جا صادریات نوشته شده

بسیب آمد شد این طایفه بوده و می باشد در جمیع امصار و اعصار معزز و محترم بوده و با اسم صادریات و عوارض از ایشان چیزی مطالبه نمی نمودند بنچه با اسم ایشان معین نموده مطالبه صادریات و عوارض از ایشان می نمایند و باین جهات سکان محلات و کوچه باغات و تجار تبریز ببلاد عراق عرب و عجم متفرق و هر یک از تجار معتبر شهر در سایر بلاد هموطن و شهر از رو ناق افتاده و رو بخرا بی گذاشته لهذا مقرر فرمودند که در تمامی محلات شهر و کوچه باغات و در مایین تجار غریب و بومی و مسلم و ذمی داد و ستد و صادری بالمره موقوف شده و تجار را داخل اصناف ننموده مطالبه صادرات و عوارض و مالیات من جمیع الجهات از ایشان ننموده حتی مساعده که بعضی حکام و عمال بعنوان ظلم از ایشان میگرفتند و موقوف شده و مقرر فرموده که تمامی سادات کرام سکان شهر و نواحی غنی و فقیر سوای مالیات حسابی از تمامی عوارض و صادریات و خانه شمار و سرشمار و خانه نزول و سایر تحمیلات من جمیع الجهات معاف و مسلم بود تا اینکه تمامی سکان شهر در مهد امن و امان آسوده بدعای دولت بیزو وال خاقانی مشغول باشند و من بعد هر کس که از صاحب اختیاران و عاملان و ریش سفیدان شهر الى انقضاء الدهر بخلاف این مرتكب شوند بلعنت خدا و ملائکه مقرین و انبیاء و رسولین خصوصاً خاتم النبین و الائمه المعصومین صلوات الله عليهم اجمعین گرفتار بوده باشند و کان ذلك في آخر شهر محرم الحرام سنّه سنت عشر بعد المائتين والآلف من الهجرة

۱۲۱۶

در پائین این سنّت که بالای در مدرسه واقع شده از میان طاق بشکل افقی هانند
نطاق نام چهارده مقص و معلم السلام بطريق زیر بخط نستعلیق درشت زیبا روی
قطعاتی از سنّت رخام نقر و حواشی آنها با نقش اسلامی منقش گردیده است تاریخ
این سنّگها در حدود هفتاد و هشت سال از تاریخ لوح بالا مناخر است و خوشنویسی بنام
میرزا آقا در سال ۱۲۹۴ آنها را کتابت کرده است

بسم الله الرحمن الرحيم اللهم صل على النبي المصطفى محمد والمرتضى على
والبتول فاطمه والسبطين الحسن والحسين وصل على زين العباد على والباقر محمد
والصادق جعفر والكاظم موسى والرضا على والتقى محمد والتقى على والزكي العسكري

الحسن و حجتک القائم المنتظر المظفر المرتضی المهدی الہادی صلوات الله وسلامه
علیهم اجمعین درسنیه ۱۲۹۴ کتبه الحقیر میرزا آقا

اخیر ادر همین مدرسه طالبیه و مسجد جامع از طرف آقا حاج محمد باقر کلکته چی
از تجار محترم و خیر تبریز تعمیرات مفصلی بعمل آمد تمام حجرات بالا و پائین طلب نشین
مدرسه که اغلب مخرب و به بود تعمیر کاری شده و بشکل زیبا و آبرومندی در آمد است ویک
کتابخانه جدید بسیار عالی برای استفاده طلاب بنا شده و مقدار زیادی کتاب در آن
کتابخانه جمع آوری شده است و سالونی بسیار شیک و عالی برای مطالعه عموم با امام و سایل
برق وغیره همیا و آماده شده است .